



به نام آنکه یادش
آرام دلهاست



چشم اندازی به کتاب پنجم قانون

دکتر شیرین فهیمی

متخصص داروسازی سنتی

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی آزاد تهران

الكتاب الخامس الأدوية المركبة و هو الأقرباذين

سرفصل های کلی کتاب پنجم:

✓ المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة

✓ فصل في كيفية التركيب

✓ الجملة الأولى في المركبات الراتبة في القرباذينات تشتمل على إثني عشر
مقالة

✓ الجملة الثانية من الأقرباذين في الأدوية المجربة في مرض مرض



المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة (ذكر دلائل نیاز به داروی ترکیبی)

۱- عدم کفایت دارو برای بیماری

إنه قد لا نجد في كل علة خصوصاً المركبة دواءً مقابلًا لها من المفردات، و لو وجدنا لما آثرنا عليه، بل ربما لم نجد مركباً تقابل به مركباً أو نجده إلا أنا نحتاج إلى قوة زائدة في أحد بسيطيه، فنحتاج إلى أن نضيف إليه بسيطاً يقوي قوته كالبابونج، فإن فيه قوة تحليل أكثر و قوة قبض أقل، فتشدد قوة القبض بدواء بسيط قابض تضيفه إليه

✓ داروی مفردة مورد نظر برای درمان بیماری بویژه بیماری مرکب یافت نشود

✓ داروی مورد نظر برای مقابله با بیماری مرکب یافت می شود ولی نیاز به تقویت یکی از قوای آن وجود دارد



المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة (ذكر دلائل نیاز به داروی ترکیبی)

۲- تعديل کیفیت دارو

و ربما وجدنا دواء مفرداً مسخناً، و لكن حاجتنا ماسة إلى سخونة أقل منها، فنحتاج أن نضيف إليه مبرداً أو أكثر منها، فنحتاج أن نضيف إليه مسخناً آخر،

داروی مفرده موثر مسخن است ولی نیاز شدید ما به گرم کنندگی کمتر از داروی مورد نظر است پس باید یک داروی مبرد به آن اضافه نمود یا اگر نیاز به گرم کنندگی بیشتر باشد باید به آن یک داروی مسخن دیگر افزود



المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة (ذكر دلائل نیاز به داروی ترکیبی)

۳- رسیدن به کیفیت مطلوب

و ربما نحتاج إلى دواء یسخن أربعة أجزاء، و لم نجد إلا ما یسخن ثلاثة أجزاء،
و آخر یسخن خمسة أجزاء، فنجمع بينهما راجین أن یحصل من الجملة مسخن
لأربعة أجزاء.

برای درمان یک بیماری به ۴ جزء حرارت نیاز است ولی داروی
مطلوبی وجود دارد که حرارت آن ۳ جزء است و داروی دیگری هم
وجود دارد که ۵ جزء حرارت دارد پس با ترکیب این دو مفرده امید
می رود که در نهایت حرارت داروی مرکبه به درجه ۴ برسد



المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة (ذكر دلائل نیاز به داروی ترکیبی)

۴- اصلاح ضرر دارو

و ربما كان الدواء الذي نريده بالغاً فيما نريده، لكنه ضار في أمر آخر فنحتاج إلى أن نخلط به ما يكسر مضرته

داروی مفرده كاملاً مقصود را برآورده می کند اما در امر دیگری مضر است و نیازمند دارویی است که اصلاح ضرر کند



المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة (ذكر دلائل نیاز به داروی ترکیبی)

۵- اصلاح طعم بد دارو

و ربما كان بشعاً كريهاً عند الطبع تعافه المعدة فتقذفه، فتضيف إليه ما يطيبه،

داروی مفرده مقصود را برآورده می کند اما مزه بسیار بدی دارد و معده آن را نمی پذیرد پس ناچار به افزودن داروئی هستیم که مزه اش را چنان خوش کند که طبیعت با آغوش باز آن را بپذیرد.



المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة (ذكر دلائل نیاز به داروی ترکیبی)

٦- جلوگیری از کاهش قوت دارو در مسیر رسیدن به عضو مورد دست

و ربما كان الغرض فيه أن يفعل في موضع بعيد، فنخاف أن تكسر قوته الهضم الأول و الهضم الثاني، فنقرنه بحافظ غير منفعل يصرف عنه عادة الهضمين، حتى يبلغ العضو المقصود سالماً كما يوقع الأفيون في أدوية الترياق

داروی مفردہ مقصود را برآورده می کند اما باید در محل دور دست اثر کند و بیم آن می رود که هضم اول و دوم قوت آن را بشکنند پس بنابراین ما آن را با یک حافظ غیر تاثیر پذیر همراه می کنیم که از مسیر هضم های اولیه و ثانویه منحرف شود تا زمانی که به اندام مورد نظر برسد مانند وارد کردن افیون در داروهای تریاق



المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة (ذكر دلائل نیاز به داروی ترکیبی)

۷- بدرقه دارو تا رسیدن به عضو مورد نظر

و ربما كان الغرض فيه البذرقة كما يلتقى الزعفران في أقراص الكافور حتى يبلغها القلب، لكنها إذا بلغت القلب عمدت القوة الدميّة بتفريق قوى التحليل و القبض، كان الدواء طبيعياً أو معمولاً فيسرح المحلل إلى نفس العضو الألم، فيحلل المادة و الرادع إلى مجاري المادة، فيمنع المادة،

ممکن است هدف از ترکیب بدرقه باشد مانند قرار دادن زعفران در قرص های کافورتا آن ها را به قلب برساند لکن وقتی به قلب رسید قوای تحلیل و قبض جدا می گردد که در داروهای طبیعی و معمولی می توان یافت که داروی محلل به نفس عضو درد فرستاده می شود و ماده را تحلیل می کند و رادع به مجاری ماده می رود و منع ورود ماده می کند



المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة (ذكر دلائل نیاز به داروی ترکیبی)

۸- کند کردن حرکت داروی سریع النفوذ

و ربما أردنا دواء يلبث في ممره قليلاً، حتى يعمل هناك عملاً فائتقاً كثيراً، ثم يكون ذلك الدواء سريع النفوذ فنركبه بمشبط مثل كثير من الأدوية المفتحة، فإنها سريعة النفوذ عن الكبد.

گاهی لازم است دارو در رسیدن به محل اثر کمی تاخیر داشته باشد تا بتواند در مسیر کار ارزنده ای انجام دهد؛ برای داروی سریع النفوذ از داروهای کند کننده (تاخیر دهنده) استفاده می شود مانند اکثر داروهای مفتوح که سریع النفوذ از کبد هستند



المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة (ذكر دلائل نیاز به داروی ترکیبی)

۹- ماندگاری بیشتر در کبد

و ربما كانت الحاجة ماسة إلى لبث منها في الكبد، فنحط بها أدوية جاذبة إلى ضد جهة الكبد، كبزر الفجل الجاذب إلى فم المعدة، فيتخير الدواء قدر ما تصل منفعته إلى الكبد، ثم ينفذ.

شاید نیاز باشد که دارو مدتی در کبد بماند پس باید آن را با داروهائی که جاذب به سمت ضد جهت کبد می باشند مانند بزر ترب که جاذب به سمت معده است همراه کنند تا به اندازه ای که منفعت آن به کبد برسد از دارو برگزینند و سپس نفوذ کند



المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة (ذكر دلائل نیاز به داروی ترکیبی)

۱۰- مشخص کردن مسیر دارویی که دو مسیر تاثیر دارد

و ربما كان الدواء الذي نجده مشتركاً لطريقتين، و غرضنا في طريق واحد، فنقرن به ما يجمله إلى ذلك، كما نجعل الذرايح في الأدوية المدرة المفتحة ليصرفها عن جهة العروق إلى جهة الكل و المثانة.

گاهی داروی مورد نظر ما برای دو هدف موثر است ولی هدف ما تاثیر در یک مسیر است پس آن را با ترکیبی که دارو را به هدف مورد نظر برساند همراه می کنیم مثلاً ذرايح را با داروهای مدر مفتح همراه می کنیم تا آن ها را از رفتن به سمت عروق باز داشته و در مسیر کلیه و مثانه قرار دهد.



المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة

چند نکته مهم:

و اعلم أن الكثير من الأدوية معملاً و موقعاً، و ربما قصد به معمل أبعد من موقعه، فنحتاج إلى مطرق، و ربما قصد به معمل أقرب من موقعه، فيحتاج إلى مثبت.

برای اکثر داروها یک محل اثر و یک جایگاه وجود دارد؛

✓ هنگامیکه محل اثر از جایگاه دارو دورتر باشد، نیاز به یک همراه رساننده به محل اثر دارد

✓ چنانچه محل اثر نزدیک تر از جایگاه دارو باشد پس نیاز به یک همراه سست کننده (تنبل کننده) دارد



المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة

چند نکته مهم:

و اعلم أن المجرب خير من غير المجرب، و القليل الأدوية خير من كثيرها في غرض واحد.

✓ مركبه تجربه شده بهتر از مركبه تجربه نشده است

✓ مركبه قليل الادويه بهتر از مركبه كثير الادويه است



المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة

چند نکته مهم:

أما السبب في أن المجرب خير، فهو أن كل دواء مركب فله حكم من بسائطه، و حكم من جملة صورته، و غير المجرب إنما يفيد من اعتبار بسائطه فقط، و لا ندري ما يوجهه مزاجه الكائن عنها هل هو زائد في معناها أو غير زائد، و هو مناقض، و المجرب يكون قد تدقق منه الأمران و لربما كانت العائدة في صورته المزاجية أكثر من المتوقع من بسائطه.

دليل ارجحيت مركبه تجربه شده:

در مورد هر داروی مرکب می توان به دو شکل حکم کرد:

✓ بر اساس داروهای مفرده اش

✓ بر اساس صورت و ظاهر دارو

در مورد داروی غیر مجرب فقط می توان از روی اعتبار مفرده ها قضاوت نمود و نمیدانیم که آیا مزاج موجود در داروی ترکیبی بیشتر یا کمتر از مزاج تک تک مفردات است و یا اینکه با هم در تضاد هستند

در صورتیکه در داروی مجرب این دو امر مورد بررسی قرار می گیرد و چه بسا آنچه در صورت مزاجی داروی ترکیبی حاصل شده باشد بیشتر از آن چیزی باشد که از مفردات به تنهایی انتظار می رفت



فصل فی کیفیت التریب

إعلم أنه إذا عرض لك أربع حوائج، و لم تجد لها دواء في الطبع إلا المصنوع، مثل أن تحتاج إلى استفراغ السقمونيا و شحم الحنظل و الصبر و التريد، فتريد أن تجمع هذه ليكون ذلك دواء جامعاً، فانظر فإن كانت الحاجة إليها و إلى أعمالها بالسوية، و هي أربعة أدوية، فخذ من كل واحد ربع شربة، و ركب و إن لم تكن الحاجة إليها بالسوية بل إلى بعضها أكثر، و إلى بعضها أقل فاحدس الحدس الصناعي، و قدر مبلغ الحاجة، و اجعل نسبة الحاجة إلى الحاجة قانوناً، فزد على تلك الشربة الجامعة مقدار بعض، و انقص مقدار بعض على نسبة الحاجة، و ركب.

اگر ۴ حاجت به تو عرضه شد که چنین دارویی را در طبیعت نیافتی مگر به شکل ساختنی، باید این ۴ نیاز با ۴ داروی گوناگون جمع کنی تا به یک داروی جامع برسی مثل نیاز به پاکسازی با سقمونیا و شحم حنظل و صبر و تریب

✓ در این حالت اگر نیاز به به ۴ دارو و افعالشان بطور مساوی بود، از هر کدام یک چهارم شربت (دوز روزانه) بردار و ترکیب کن

✓ اگر نیاز به بعضی بیشتر از بقیه و بعضی کمتر بود، برای نسبت نیاز قانون بگذار و بر اساس میزان نیاز، نسبت دارو را در ترکیب تعیین کن



فصل فی کیفیة التركيب

و اعلم أن الدواء المركب المنجح كالتریاق له بحسب بسائطه آثار و قوى، و بحسب صورته التي إنما حمر مدة لينجذب المزاج إليها آثار و قوى، و ربما كانت أفضل من البسائط فلا تلتفت إلى ما تقوله الأطباء أن التریاق ينفع من كذا لأجل السنبل، و ينفع من كذا لأجل مر، بل ينفع لذلك، و لكن العمدة صورته و قد جاءت بالاتفاق جلیة نافعة، و لا يمكننا أن نشير إليها و إلى مناسبتها لأفعالها إشارة جلیة.

هر داروی مرکب موفقی مانند تریاق به واسطه مفرداتش یک سری آثار و قوا دارد و نیز به سبب صورت دارو ناشی از ایجاد مزاج (ثانوی) دارای یک سری آثار و قواست و چه بسا بهتر از داروهای مفرده به تنهایی باشد پس به این گفته پزشکان که می گویند منفعت تریاق ناشی از وجود سنبل یا مر است توجه نکن بلکه عمده اثر از صورت داروست که از اتفاق اجزا حاصل شده است و نمیتوان بوضوح به داروی مفرده خاص و مناسبت افعالش اشاره نمود



فصل فی کیفیة التركيب

و اعلم أن في المركبات أدوية هي عمود و أصل، إذا حذفت بطلت القاعدة مثل لحم الأفاعي في الترياق و الصبر في أيارج فيقرا و الحزبق في أيارج لوغاذيا، و أدوية تصلح أن تسقط، و أن تبدل و أن يزداد فيها أو ينقص، و أدوية لو زيدت لأضرت فإنه لو وقع في الترياق البلاذر لأفسد الأدوية، و خصوصاً لحم الأفاعي، و أدوية لو زيدت لم تضر، كما أنك لو زدت في الترياق جوزبوا لم تكن أتيت بجرمة عظيمة.

- ✓ در هر داروی ترکیبی یک دارویی است که **اصل و عمود** مرکبه است و چنانچه حذف گردد قاعده و شیرازه دارو از دست می رود مانند لحم الافاعي در ترياق و صبر در ايارج فيقرا و خربق در معجون لوغاذيا
- ✓ داروهائی هم هستند که قابل حذف شدن، تغيير و اضافه و کم کردن هستند
- ✓ داروهایی هم هستند که اگر در مرکبه مقدارشان زیاد شود باعث ضرر می گردند مثلاً اگر بلاذر در ترياق زیاد شود داروها خصوصاً لحم الافاعي را فاسد می گرداند
- ✓ داروهایی هم هستند که اگر در مرکبه مقدارشان زیاد شود ضرری ایجاد نمی کنند مانند جوزبوا در ترياق



فصل فی کیفیت ترکیب

و اعلم أن كثيراً من التركيب يؤدي إلى المفسد، و كثيراً من التركيب يؤدي إلى مزية أثر و فعل، و أن كثيراً من التركيب يكون عن مفردات و مركبة كالترياق عن أفراده و عن الأقراص الثلاثة، فإن لكل قرص بسبب المزاج خاصية لا توجد في المفردات، و ربما كان الدواء مركباً من مركبات.

✓ بسیاری از ترکیب ها به فساد می رسند

✓ بسیاری نیز اثر و فعل شان بیشتر می گردد

✓ بسیاری از ترکیب ها هستند که از مفردات و مرکبات تشکیل شده اند مانند تریاق که از مفردات و قرص های سه گانه تشکیل شده است که هر قرص مزاج خاصی دارد که در مفردات یافت نمی شود

✓ چه بسا داروئی باشد که ترکیبی از مرکبات باشد.



الجملة الأولى في المركبات
الراتبة في القراباذينات
تشتمل على إثني عشر
مقالة

اشكال داروئی
معرفی شده در
کتاب پنجم قانون

ترياقات و معاجين كبار

۹۸ فرمولاسيون

ايارجات

۲۶ فرمولاسيون

جوارشات مسهله و غير مسهله

۵۹ فرمولاسيون

سفوفات. قمايح. وجورات
الصبيان

۲۱ فرمولاسيون

لعوقات

۱۰ فرمولاسيون

اشربه و ربوبات

۷۳ فرمولاسيون

مربيات و انجات

۱۸ فرمولاسيون

قرص ها

۶۳ فرمولاسيون

سلاقات و حبوب

۳۳ فرمولاسيون

ادهان

۴۴ فرمولاسيون

مراهم و ضمادات

۲۳ فرمولاسيون

ذکر معاجين، جوارشات و داروهای
ترکيبی که برای امراض مناسبند

۸۹ عنوان بیماری



نحوه معرفی داروهای ترکیبی

(مقاله اول تا یازدهم از جمله اول)

- ۱- بیان فواید و اثرات فرمولاسیون
- ۲- معرفی اجزاء فرمولاسیون و مقادیر هر یک (اخلاطه)
- ۳- ذکر نکات خاص در تهیه فرمولاسیون
- ۴- قدر شربت (دوز) دارو و نحوه مصرف
- ۵- ذکر فرمولاسیون های مشابه (نسخه اخری)



مقاله دوازدهم: ذکر معاجین، جوارشات و داروهای ترکیبی که برای امراض مناسبند

نمونه هائی از کتاب:

النسیان و الحفظ الدهن الأقرديا، جوارشن البلاذر، الشلیثا، فیما یقال سعوط
أرسطاطاليس، سفوف جوارشن العنبر، فیرزنوش، أيارح فيقرا.

الربو و نفس الانتصاب لعوق العنصل، خلّ العنصل و سکنجینه، و للعسر و للضيق
أقراص الخشخاش.

بلة المعدة أيارح فيقرا، حب هندي، أيارح هیوفقراطيس، الاطريفل، سفوف لعبادة.

صلابة المعدة دهن المصطکی.

للجشاء الحامض الکوني، أقراص الکوکب الفلافلي.

الحصاة ترياق مثروديپوس، ترياق عزرة، أميروسيا، دواء اللک، دواء الکبريت، حب في
الميامر یخرج الرمل في البول، أقراص أرسطوماخس.



الجملة الثانية من الأقرباذين في الأدوية المجربة في مرض مرض

مقدمة:

هذه الجملة نورد فيها من الأدوية المركبة ما هو أخص بمرض مرض، بعد إن نعيد ذكر ما قيل في الجملة الأولى، ليكون لمن يقرأ هذا الكتاب إحاطة بجميع المعالجات أو بالكثير منها جداً، و ذلك لأنه مثلاً إذا أراد حصر معالجات الجرب عمد إلى الكتاب الثاني، و هو كتاب الأدوية المفردة، فيعرف في ساعة واحدة حصر جميع الأدوية الجزئية في الجداول، ثم إذا انتقل إلى أبواب الكتاب الثالث و الرابع طلب باب الجرب، فحصر المعالجات المذكورة، ثم إذا انتقل إلى الأقرباذين حصر باقي المعالجات المركبة، فيكون له سبيل إلى حصر المعالجات الجزئية كلها أو جلها،

بيان مراحل دستیابی به درمان یک بیماری از کتاب های مختلف قانون:

۱- رجوع به کتاب دوم و پیدا کردن مفردات موثر بر بیماری

۲- رجوع به کتاب های سوم و چهارم و دستیابی به داروها و نسخه های ذکر شده

۳- رجوع به کتاب پنجم جهت دستیابی به بقیه درمان های دارویی ترکیبی



الجملة الثانية من الأقرباذين في الأدوية المجربة في مرض مرض

تقسيم بندي جمله دوم به ۸ مقاله:

مقاله اول: احوال سر و هر چه متعلق به آن است ← ۱۷ نسخه

مقاله دوم: بیماری های چشم ← ۶۳ نسخه

مقاله سوم: بیماری های گوش ← ۱۳ نسخه

مقاله چهارم: احوال دندان و هر چه متعلق به آن است ← ۱۰ نسخه

مقاله پنجم: دهان، گلو و حفره فوقانی ← ۲۹ نسخه

مقاله ششم: در احوال حفره تحتانی ← ۵۲ نسخه

مقاله هفتم: درد مفاصل، نقرس و عرق النسا ← ۹ نسخه

مقاله هشتم: داء الثعلب ← ۱ نسخه

مقاله نهم: شرح پیمانہ و اوزان نقل از یادداشت های طبی ساهر

مقاله دهم: ذکر اوزان و پیمانہ ها از یادداشت های طبی یوحنا پسر سرافیون



تمام علوم گذشته و سنت باید تقد شوند. در صورتی که از دم تیر تقد به سلامت خارج شد
آن وقت قابل پذیرش است.

ابن سینا



با تشکر از توجه شما

أيارج فيقرا

أيارج فيقرا أي المر هذا هو أيارج **الصبر**، و قد قرن به **الدارصيني** لطافته و منفعته للأحشاء و المعدة و **المصطكى** لذلك، و ليحفظ قوتها. و كذلك **السليخة** و **الزعفران** للإنضاج و تقوية القلب و المعدة، و ربما أورت الزعفران فيها صداعاً فيحتاج أن يقلل وزنه أو يحذف، و **الأسارون** له معونة على الإسهال و حدر الرطوبات، و ربما جعل **بدله الكبابة** و هو لطيف، و **حب اللسان** و **عود اللسان** لتقوية المعدة و التحليل، و الفاذهرية.

و من الناس من يجعل فيه **فقاح الإذخر**، فيمنع السحج المتوقع من الصبر، أو **الورد** لدفع نكايه حرارة الصبر عن المعدة و الرأس، و قد يكون مخمراً بالعسل مثليه، و قد يكون يابساً غير مخمر.

و أما أنا فأقرّص مسحوقه بماء المقل أقراصاً أجففها في الظل، و أستعملها فأجد ذلك أبلغ من غيره، و لعل المقل يكون قريباً من جزء و كان القدماء يختلفون في مقدار إصلاح الصبر...

و في جوامع الاسكندرانيين و صحّح من النص لفظ جوامع المقالة السادسة من تدبير الأصحاء في ذلك، و أيارج فيقرا يتخذ على ثلاثة ضروب.

أحدها: أن يلتقى على مائة مثقال من الصبر ستة مثاقيل من كل واحد من سائر الأدوية.
و الآخر: أن يلتقى على تسعين مثقالاً من الصبر ستة مثاقيل من كل واحد من سائر الأدوية.
و الثالث: أن يلتقى على ثمانين مثقالاً من الصبر ستة مثاقيل من كل واحد من الأدوية، و يزيدون و

ينقصون...



جوارش كموني

فرمولاسيون ١:

الجوارش الكموني هو نافع من أوجاع الأحشاء التي تولدها البرودة و من غلبة البلغم للمشايع، و يقوي المعدة، و يهضم الطعام، و يزيل الشهوة الكلبية و الجشاء الحامض، الشربة مقدار عفسة بماء حار. و ينفع أيضاً من الحميات الباردة السوداوية و البلغمية.

أخلاطه: يؤخذ كمون كرمانى منقوع بخلّ خمر يوماً و ليلة مجفف مقلي، و ورق السذاب المجفف في الظلّ، و فلفل، و زنجبيل من كل واحد خمسة أساتير، بورق أرمني وزن عشرة دراهم، تجمع هذه الأدوية مسحوقة منخولة، و تعجن بعسل منزوع الرغوة و ترفع في إناء و تستعمل.

فرمولاسيون ٢:

الجوارش الكموني لجالينوس ينفع من الرياح الباردة و التخم، و يجلل الرياح، و ينفع من لا يهضم الطعام.

أخلاطه: يؤخذ بورق نصف جزء، كمون كرمانى منقوع بخلّ مقلي و فلفل أبيض و أسود و دارفلفل من كل واحد جزء، و هذا يعمل على نسختين، فرما عمل من أجزاء متساوية في جميع أخلاطه، أعني الكمون و الفلفل و السذاب و البورق، و هذا الفن يجل الطبيعة جداً.



جوارش كمونى

نكات مهم در فرمولاسيون جوارش:

و هذا دواء يؤخذ مفرداً قبل الغذاء و بعد الغذاء، و الذي يخلط **بالعسل المنزوع الرغوة** فأوفق في هذه الحالة، و ذلك أنه يذهب بالنفخ أصلاً و ينبغي أيضاً أن **يكون العسل جيداً**، إذا احتيج أن يكون هذا الدواء قوياً في حلّ الرياح و يستفرغ بقوة.

و يجب أن تعلم أيضاً أنك إذا أردت أن يكون استفراغه أكثر، **فيجب أن يكون دق الأدوية جريشاً**، و ذلك أنى عرفت أن رجلاً سحق هذا الدواء سحقاً بليغاً لأنه لم يكن يعرف ما ذكرت، فلم يحل الطبيعة بته بل أدر بقوة و جاءنا و هو متعجب يبحث عن السبب في ذلك، و ذلك أنه ظن أن لجسد ذلك الرجل خاصية هي السبب فيما عرض، فلما عرفناه أن السبب في ذلك هو حال تركيبه ركه ثانياً كما أمرته فتم عمله، فينبغي أن يحفظ هذا التحديد في تركيب سائر الأدوية.



أقراص الخشخاش

أقراص الخشخاش النافعة من نزف الدم و السعال و الحمى و وجع الصدر.
أخلاطه: يؤخذ ورد و صمغ عربي من كل واحد وزن أربعة دراهم، نشاء و
كثيراء من كل واحد درهمان، خشخاش أبيض و أسود من كل واحد ثلاثة
دراهم، طباشير وزن درهم، رب السوس وزن درهمين، زعفران وزن داتقين
يدق و يجمع و يقرص



دهن المصطكى

عمل دهن المصطكى يصلح لضعف المعدة و أورامها و يلين الصلابة.
أخلاقه: يؤخذ دهن حل قسطان، مصطكى ست أواق، تدق
المصطكى و تلقى على الدهن في إناء مضاعف.



معجون مثروديطوس

نسخة المثروديطوس للجمهور يؤخذ زعفران و مرّ و غاريقون و زنجبيل و دارصيني و كثيرا من كل واحد عشرة دراهم. سنبل و كندر و ثالسفيس، و هو الحرف البابلي، و أذخر و عيدان البلسان، و أسطوخوثس و سيساليوس، و قسط، و كمافيتوس، و قنة و ماست و هو علك البطم، و دارفلل، و عصارة لحية التيس، و جندبادستر، و مالايثيرن و هو الساذج الهندي، و ميعة و جاوشير من كل واحد ثمانية دراهم. سليخة و فلفل أبيض، و فلفل أسود، و سورنجان جعدة، و سقورديون، و دوقوا، و إكليل الملك، و جنطيانا، و دهن البلسان، و حب البلسان، و أقراص، و قوفيون، و مقل من كل واحد سبعة دراهم. سذاب درهمين. أشق و سنبل رومي، و مصطكى، و صمغ و فطراساليون، و قردمانا، و بزر الرازيانج من كل واحد خمسة دراهم. أنيسون، و وج، و مو، و سكينج، و أسارون، من كل واحد ثلاثة دراهم، أفيون و ورد أحمر و دنقطامين من كل واحد خمسة دراهم، فو، و أفاقيا، و سرة أسقنقور، و بزر الهيوفاريقون، من كل واحد أربعة دراهم و نصف، شراب ريحاني عتيق و عسل منزوع الرغوة مقدار الكفاية ينقع ما يحتاج أن ينقع بالشراب، و يخلط بالعسل و يحفظ، و يستعمل بعد ستة أشهر الشربة كالبنفقة بما يصلح من الأشرطة.



معجون مثروديطوس

قوفيون المستعمل في المثروديطوس يؤخذ زريب منزوع العجم وزن أربعة دراهم، علك البطم وزن أربعة و عشرين درهماً، أذخر و مر من كل واحد إثني عشر درهماً. دارصيني و مقل أزرق، و أظفار الطيب، و سنبل رومي، و سليخة، و إكليل الملك، و سعد، و حب الغار، و من كل واحد ثلاثة دراهم. قصب الذريرة وزن تسعة دراهم، زعفران درهم، قفر اليهود وزن درهين و نصف، و هذه النسخة نسخة "سابور بن سهل"، و فيها زيادة قفر اليهود، و في نسخة "ابن سراييون" زيادة دارشيشعان درهين و نصف، و في نسخة أخرى زيادة أسارون درهين و نصف.



جرب در کتاب دوم قانون

اللوح الرابع
الجراح و القروح

• بنفسج

دهن البنفسج طلاء
جيد للجرب

اللوح السابع
أعضاء العين

• بابونج

ينفع الرمد و التكدر و
البثور و الحكّة و
الوجع و الجرب
ضماداً

اللوح العاشر
أعضاء النفض

• سوس

ينفع حرقة البول، و
ينفع من قروح
الكلبي و المثانة و
جربها



جرب در كتاب چهارم قانون

فصل في الجرب و الحكمة

... العلاج أما علاج الجرب فأوله و أفضله و الذي كثيراً ما يكتفى به هو الإستفراغ بما يخرج الخلط الحاد المحترق و البلغم المالح، ثم إصلاح الغذاء و التدبير المرطب على ما علمت في أخوات هذا الباب، و استعمال الأشياء المائية التفهة التي يؤمن سرعة تفغنها مثل: البطيخ الهندي و الهندباء و الخس و نحوها، من خارج أيضاً، و ... و من الاستفراغات الجيدة لأصناف مواد الجرب **طبيخ الأفتيمون بالهليلج الأصفر، و الشاه ترچ و السنا و البسفانج، و الأفسنتين.** و قد يجعل فيه **الورد و بزر الهندبا و نحوه،** و قد يجعل فيه **الماميران** بخاصية فيه، و قد يجعل فيه **السقمونيا** و أيضاً فإن **حب الصبر و السقمونيا** جيد بالغ.

طبيخ جيد: يؤخذ من الهليلج الأصفر و الزبيب من كل واحد عشرون درهماً، يطبخ بثلاثة أرتال من الماء حتى يبقى الثلث، و يصفى، و يؤخذ من جملة مائه ثلثا رطل، و يمرص فيه من الخيارشمبر عشرة، فإذا مرس فيه صفي أيضاً، و جعل فيه درهم غاريقون



جرب در كتاب پنجم قانون

صفة دواء أرسطراطس و هو ينفع من الجرب و الرمذ العتيق

أخلاقه: يؤخذ نحاس محرق مثقالين، مر مثقال، زاج محرق مثقال، فلفل ثلث مثقال، زعفران نصف مثقال، شراب تسع أواقي، عقيد العنب أربع أواقي و نصف، تسحق الأدوية اليابسة، و يرصّ عليها في السحق الشراب، فإذا جف ألقى عليها عقيد العنب، و يسحق به و يصير في إناء، و يطبخ بنار لينة و يحفظ في إناء نحاس



الفواق

دواء ينفع الفواق و هو قوي عجيب جداً.

أخلاقه: يؤخذ نبيذ طيب ريحاني ثمانية أرطال، يطبخ ذلك حتى يغلي و يذهب السدس ثم ينزل عن النار، و يلقي فيه قسط و مصطكى من كل واحد أربعة دراهم، أفسنتين وزن سبعة دراهم، أذخر و سنبل و ساذج و ورد و صبر و أغاريقون و زعفران من كل واحد درهين، أسارون و عود هندي و سليخة من كل واحد أربعة دراهم، يسحق و الشربة ملعقة



القسط

يادداشت های طبي ساهر:

من الزيت ثمانى عشرة أوقية، و من الشراب ثمانون رطلاً، و من العسل مائة و ثمانية
أرطال

يادداشت های طبي يوحنا پسر سرافيون

عند الشعوب التي تتخاطب باللسان اليوناني معروف فأما الكيل فليس جميعهم متفقين
عليه، و ذلك أن بعضهم يستعمل غير الذي استعمله صاحبه، و القسط عند الروم يسع
رطلاً و نصفاً و سمساً فيكون عشرين أوقية، و القسط الأنطاقي رطل و نصف

